

لزوم تشکیل جبهه ی سکولار دمکراسی (بخش دوم)

محمود روغنی

رشد گرایش های سکولاریستی

در بخش اول کارنامه جمهوری اسلامی بسرکردی ولی مطلقه فقیه واکاوی شد. در بخش دوم پیشنهادی برای تشکیل جبهه سکولار دمکراسی ارائه می دهم.

جامعه ایران در ۴۰ سال گذشته از زمان تصویب نهاد ولایت فقیه تاکنون دست خوش دگرگونی های چشمگیری شده است. با وجودی که هنوز میلیون ها بی سواد در کشور وجود دارند اما در صد باسوادان از ۴۷ در صد در سال ۱۳۵۵ به ۹۱ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. پیش از انقلاب شمار دانشجویان به ۱۸۰ هزار نفر می رسید امروزه تعداد آنها به بیش از ۴ میلیون نفر می رسد. ۴۵ درصد دانشجویان در رشته های علوم انسانی درس می خوانند. بیش از ۲۰۰۰ دانشگاه در سطح کشور فعالند. پراکندگی دانشگاه ها و مراکز آموزشی حتی در شهرهای کوچکتر کشور رواج اندیشه های نو در میان شهروندان سراسر کشور را آسان تر کرده است. در این مدت جمعیت شهر نشینان نیز افزایش چشمگیری داشته است. در سال ۱۳۵۵ تنها ۴۷ درصد در شهرها زندگی می کردند اما این رقم در سال ۱۳۹۳ به بیش از ۷۲ در صد رسیده است.^۱

اما تحول مهم در این مدت انقلاب رسانه ای در جهان است که برغم تمام محدودیت های ایجاد شده در داخل، امکان دسترسی کاربران رایانه ها و بینندگان ماهواره ها به آخرین تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و جهان، بدور از سانسور و خوانش استبداد زده از واقعیت ها را فراهم می سازد. به گزارش ایسنا در پایان سال ۱۳۹۶، بیش از ۴۱ میلیون کاربر اینترنت در کشور وجود داشته اند. برپایه نتایج نظر خواهی ایسنا، حدود ۴۰ درصد مردم شهرها و ۳۲ درصد روستاییان از شبکه های ماهواره ای استفاده می کنند. در دوسال گذشته شمار بینندگان ماهواره ها رو به افزایش بوده است.

گزارش ها، نظر سنجی ها و اظهارات گوناگون نشان می دهد که با رشد طبقه متوسط مدرن (نسل نوین خانواده های سنتی، حرفه مندان آزاد و تحصیل کردگان بوروکرات)، افزایش شمار باسوادان، شمار بالای کاربران رایانه و شبکه های اجتماعی و بالا رفتن آگاهی جمعی جامعه ایرانی رو به سکولار شدمی است.

- اگر روشنفکران دینی دوران انقلاب (مانند آقایان شریعتی و آل احمد) از مقوله های "امامت" و "غرب زدگی" سخن به میان می آوردند و یا در پی ریشه های اسلامی ایرانیان می گشتند و از بازگشت به خویش (بخوان بازگشت به خویش) دم می زدند که جملگی آب به آسیاب اسلام سیاسی بنیادگرا می ریخت، روشنفکران دینی امروزه کم و بیش و با اما و اگر هایی پشتیبان گفتمان سکولاریسم سیاسی و جدایی دین از دولت اند.

سکولاریسم به شکل های گوناگون حتی در حوزه های دینی نیز نفوذ کرده است که دکتر خسرو پناه یک وجه آنرا سکولاریسم سیاسی - اجتماعی می نامد و "نفی احکام اجتماعی اسلام در اثر شبهات جدید دنیای مدرن" را یکی از نشانه های آن به شمار می آورد و می گوید:

"هیچ روحانی احکام اجتماعی اسلام را نفی نمی کند، اما شبهاتی در دنیای مدرن ایجاد شده است که باعث شده برخی از افراد در حوزه ها پیدا شوند که احکام اجتماعی اسلام را فدای اینها کنند." وی افزوده است: "مانند منشور حقوق بشر و یا کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان که برخی افراد تحت تأثیر اینها تفاوت ارث زن و مرد و یا احکام دیه را رد می کنند و نتوانستند از احکام اجتماعی اسلام دفاع کنند. این افراد نمی گویند که اسلام احکام اجتماعی ندارد، بلکه می گویند: با توجه به شرایط روز این احکام دیگر کاربرد ندارد، پس این نگاه تهدیدی برای حوزه است."^۲ به باور رئیس این مؤسسه

^۱ - تارنمای خبرگزاری دانشجویان ایران، 56 میلیون شهرنشین در کشور/ پایتخت 12.5 میلیونی شد

^۲ - تارنمای تی وی شیعه، حجت الاسلام دکتر خسرو پناه: خطر سکولاریسم در حوزه / سکولاریسم چیست و چه خطراتی دارد، ۲۳ شهریور

وجه پنجم سکولاریسم اجتماعی در حوزه ها بی تفاوتی نسبت به نظام جمهوری اسلامی است: " عده ای، نه جمهوری اسلامی را نفی می کنند و نه اثبات می کنند، بلکه نسبت به آن بی تفاوت هستند. این افراد ادای مقدس مآبی دارند و می گویند ما با سیاست کاری نداریم." ³

کنشگران سیاسی همچون سعید حجاریان (نظریه پرداز اصلاحات) از کناره گیری روحانیت از قدرت سخن می راند و آنرا راه حل مشکلات کشور می داند و می نویسد:

" مادامی که نهاد روحانیت در نهاد قدرت ادغام شده است، این قافله به سر منزل نخواهد رسید بنابراین تلاش برای عرفی کردن قدرت یکی از وظایف جدی اصلاح طلبان است. ⁴ رویکرد سکولاریستی در حوزه بصورت عدم دخالت روحانیون در سیاست نیز از پشتیبانی شایان توجهی برخوردار است که اخیراً واکنش شدید ولایت مداران بنیادگرا را در حوزه ی قم برانگیخت.

مقصود فراستخواه، نشانه های سکولار شدگی جامعه را در گذاره های زیر چنین بیان می کند:

" امروزه دیندارترین قشرهای جامعه نیز برای پاسخ خیلی چیزها به عقل مستقل بشری و به علم مراجعه می کنند، با کسی دعوایشان می شود راه حلش را از کارشناس حقوق می خواهند، برای مشکلات رفتاری و خانوادگی دنبال روان شناس می روند، راه حل آسیب های اجتماعی را از جامعه شناس می پرسند، برای مسائل اقتصادی شان با اقتصاد دان صحبت می کنند. اوقات فراغت خود را با انواع سرگرمی هایی پر می کنند که مذهبی نیست؛ کتابها، فیلمها و موسیقی هایی که مضامینی این جهانی و عرفی دارند. هنر دنیوی فضای زندگی شان را پر کرده است. حتی به زیارت هم که می روند خالی از اهداف تفریحی و دنیوی نیست، مثلاً در مشهد اگر به حرم می روند چندین برابر آن را با مکانهای خرید و رستورانها و انواع سرگرمی ها و گردشها محسورند. این فقط به زوجهایی که برای ماه عسل می روند اختصاص ندارد، اغلب مسافران چنین اند. در حرم نیز بیشتر به فکر تعقیب حاجات دنیوی هستند." ⁵

" هرچه سن جوانان دانشجو افزایش می یابد، دینداری آنها ضعیف تر می شود و آنها تمایل کمتری به انجام مناسک و شعائر دینی دارند و حضورشان در نهادهای دینی نیز کمتر می شود. بنا به تحقیقی، حدود نیمی از جوانان تهرانی عقیده دارند که قلب پاک و نیکوکاری یا تجربه معنویت، می تواند جایگزین اعمال دینی از جمله اعمال واجب (همچون نماز و روزه) بشود." ⁶

این جامعه شناس دلایل سیاسی و اجتماعی سکولار شدن جامعه ایران را چنین بیان می کند: " امروز که فضای ایران مملو از تبلیغات رسمی مذهبی و پر از برنامه های شیعی سازی دولتی با بودجه های هنگفت عمومی است، در عکس العمل به آن شاهد مقاومتی خاموش از نوع سکولاریستی هستیم. علایم این را در نجواها و گفتمانهای مردمان، رفتارهای فرهنگی آنها، صحبت هایشان در تاکسی، در میهمانی های شان، در سبک های زندگی، نوع لباس پوشیدن، پیامهای کوتاه، متلکها، فیس بوکها، در فضاهای غیر رسمی و مانند آن می بینیم." ⁷

از ابتدای انقلاب، جمهوری اسلامی کوشید سپهر همگانی را در تسلط کاملش در آورد و از آن سکولار زدایی کند. اولین اقدام در این مورد اجرای حجاب اجباری بود که بتدریج با مقاومت زنان طبقات متوسط و متمول روبرو گردید و امروزه در شهرهای بزرگ و کوچک کشور و حتی در شهر مذهبی قم نشانه های آن بصورت " بد حجابی " همه گیر شده است به طوری که نگرانی نخبگان و نهادهای حکومتی را برانگیخته است. حداد عادل در مورد " بدتر شدن " حجاب هشدار داد و

3 - همان

4 - روزنامه شرق، کدام اصلاحات، ۱۲ اسفند ۱۳۹۶

5 - همان

6 - همان

7 - همان

آنرا بخشی از " جنگ نرم دشمن " علیه جمهوری اسلامی سنجدید.⁸ تارنمای خبری قم نگار نیز در باره از میان رفتن گام به گام پوشش چادر به عنوان " نماد و نشانه شهر قم " و رواج " موهای هفت رنگ و آرایش تند و صدای موزیکال تق تق پاشنه کفش ها " در شهر مذهبی قم انتقاد کرده است.⁹ پدیده " دختران خیابان انقلاب " واکنش آشکار دختران جوان به حجاب اجباری است که برغم فضای امنیتی حاکم علیه قوانین شرعی شوریده اند.

رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران باور دارد که " سکولاریسم فرهنگ سیاسی ما را تهدید می کند... هدف اصلی سکولاریسم این است که تفکر اسلامی را از فضای سیاسی کشور دور کند که در این راستا دو موضوع تحجر و روشنفکری را بیان می کند."¹⁰

رابطه میان دختر و پسر از دیگر موضوعات اجتماعی است که از کنترل حکومت دینی کاملاً خارج گشته است. بر اساس گزارش روزنامه جام جم ۸۰ درصد دختران ایرانی دوست پسر دارند.¹¹

یکی از عارضه های نمایان حکومت دینی تبعیض علیه زنان بر پایه قوانین شرعی است که از جمله در مخالفت حاکمان با سپردن پست های وزارت و مدیریت های کلان به زنان تجلی داشته است. یکی از شاخصه های سکولاریسم اجتماعی مخالفت اکثریت جامعه با این تبعیض جنسیتی است که در یکی از نظر خواهی های ایسپا در سال ۱۳۹۶ نمایان شده است. در این نظر خواهی تنها ۱۰ درصد جامعه آماری با حضور زنان در پست های مدیریتی مخالف بوده اند.¹²

در حالی که به تعبیری " مسجد خانه خداست " اما در سال های اخیر کارکرد مسجد زمینی و دینی شده است و برخی از مساجد به مراکز تجاری تبدیل گردیده اند. به گزارش آفتاب نیوز " بسیاری از مساجد در چند سال اخیر با فرض ایجاد فضای تجاری و در نظر گرفتن واحدهای تجاری در کنار، همکف یا زیر همکف محیط مسجد آماده و ساخته شده اند." که در نتیجه آن " بسیاری از مساجد فقط در ساعات اذان، در های مسجد را باز می گذارند و به این ترتیب رسماً عملکردشان به عنوان مسجد چند ساعت در روز [است]"¹³

سکولار شدن جامعه نتایج سیاسی و فرهنگی گوناگونی در پی داشته است که به باور مقصود فراستخواه جامعه را به واکنش و مقاومت برانگیزنده است:

"این تب و تاب سکولار، ممکن است با کوچکترین فرصت، تظاهرات اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی شدیدی نیز پیدا بکند. شاید برای همین است که شاهد شیوه های کنترل حداکثری در معمولی ترین مناسبت های جامعه کنونی مان هستیم. جامعه را دچار وضعیتی ساختیم که نمی تواند روند طبیعی آرام داشته باشد و همه چیز باید از بالا مدیریت و مهندسی بشود. در هر حال به نظر می رسد این " سکولاریسم " که از نوع واکنشی و مقاومتی است، حالا حالاها دست از ایران برنخواهد داشت و رشد خواهد کرد. چون به قدر کافی برایش علل و اسباب وجود دارد. مگر اینکه شرایط عوض بشود و عقلانیتی در امر حکومت داری به میان بیاید که با شواهد موجود بعید می نماید."¹⁴

8 - تارنمای باشگاه خبرنگاران جوان، وضعیت حجاب در جامعه روز به روز بدتر می شود. ۲۵ تیر ۱۳۹۵

9 - تارنمای رادیو فردا، علم الهدی: اختلاط میان زن و مرد در خانواده های مذهبی هم نفوذ کرده است، ۱۷ دی ۱۳۹۵

10 - تارنمای خبرگزاری فارس، سکولاریسم فرهنگ سیاسی ایرانیان را تهدید می کند، ۳ شهریور ۱۳۹۳

11 - تارنمای رادیو فردا، مجید محمدی، پنج روند اجتماعی در مقابله با حکومت تمامیت خواه دینی، ۱۲ تیر ۱۳۹۵

12 - تارنمای تریبون زمانه، ۳ نفر از هر چهار ایرانی از شرایط کشور ناراضند، ۳ فروردین ۱۳۹۷

13 - آفتاب نیوز، مسجد ولنجگ یا پاساژ ولنجگ، ۱۶ شهریور ۱۳۹۶

14 - تارنمای مقصود فراستخواه، آیا ایرانیان سکولار می شوند؟ اسفند ۱۳۹۰

لزوم تشکیل جبهه سکولار دمکرات ها

می توان پرسید، به چه علت این " تب و تاب سکولاریستی " که در قالب خیزش های خیابانی و در فرصت های گوناگون در شهرهای بزرگ و کوچک روی می دهد ناپایدار و معمولاً حکومت دینی قادر است با بهره گیری از ماشین سرکوب مخالفت ها را بسرعت مهار کند؟ مهمترین علت این شرایط، کمبود رهبری یک پارچه سکولار دمکرات ها در اینگونه اعتراضات است که با هدایت خیزش ها و گسترش آن به افشار گوناگون از جمله طبقه متوسط، جنبشی پایدار با هدف تغییر حکومت دینی و استقرار نظام سکولار تشکیل دهد.

شوربختانه حکومت دینی به رهبری ولی مطلقه فقیه و بیاری بازوهای امنیتی - نظامی اش توانسته است با سرکوب دگراندیشان سکولار در داخل و با بهره گیری از پراکندگی این نیروها در خارج، خیزش های فصلی داخلی را بی خطر سازد. کنشگران سیاسی سکولار دمکرات ایرانی مسئولیت تاریخی مهمی در عبور از بحران پراکندگی نیروها به عهده دارند.

تا کنون تشکیل ائتلاف و جبهه در کشور، سه تجربه گوناگون را پشت سر گذاشته است که هرکدام به درجاتی با ناکامی روبرو گردید. در ائتلاف اول که پیکار با استبداد سلطنتی قاجار در دستور کار قرار گرفت، " منورالفرکان " بعضاً سکولار، همکاری تنگانتگی با رهبران روحانی پیشه کردند و برای جلب حمایت و پشتیبانی آنان هدف های ضد استبدادی و مشروطه خواهی شان را در زوروق مذهب پیچیدند. اسلامیزه کردن هدف ها از جمله دلایلی بود که در ماده دوم متمم قانون اساسی هیأت پنج نفره ای از روحانیون و وظیفه تطبیق قوانین مصوبه مجلس شورای ملی با شرع مقدس را بر عهده گیرند. مشروطیت که در غرب تحولی ضد استبدادی و سکولار بود در ایران به ورود دین در دولت رسمیت بخشید.

در دهه بیست شمسی و پس از خروج متفقین از کشور، جبهه ملی تشکیل شد که درهای گشوده اش کلیه نیروهای " میهن پرست " از حزب فاشیست ملیون گرفته تا آیت الله کاشانی و گروه بنیادگرا و تروریستی فدائیان اسلام را در خود جای داد. همکاری ملی گرایان سکولار با اسلام گرایان در جنبش ملی کردن نفت سبب تقویت جایگاه رهبران دینی و بازگشت روحانیت بعضاً مرتجع به سپهر همگانی گردید که در دوره سلطنت رضا شاه بسیار تضعیف شده بود. در زمان نخست وزیری دکتر مصدق، اسلام گرایان توانستند در مجلس هفدهم به قدرت شایان توجهی دست یابند که آیت الله کاشانی ریاست آنرا به عهده داشت. این مجلس با پشتیبانی برخی از اعضاء جبهه ملی به آزادی خلیل طهماسبی قاتل رزم آرا رای داد که یکی از اعضاء گروه تروریستی فدائیان اسلام بود. آیت الله کاشانی که هر از گاهی خواستار اجرای قوانین اسلامی می شد، بویژه پس از مقطع سی تیر از راه کارشکنی با دولت دمکرات دکتر مصدق به یاری طراحان کودتای بیست هشت مرداد شتافت. این رهبر روحانی در باره کودتای دربار در بیست پنجم مرداد سکوت اختیار کرد و در روز بیست و هشت مرداد بیاری چاقوکشان هوادارش در کنار دارو دسته شعبان جعفری به کودتاگران پیوست که دلارهای آیت الله بهبهانی تامین شده از سوی سازمان سیا در میانشان توزیع شده بود.

ائتلاف ناتواسته سوم در انقلاب بهمن میان اسلام سیاسی بنیادگرا و بسیاری از ما روشنفکران چپ و سکولار صورت گرفت که در حال و هوای مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی تنها در اندیشه سقوط رژیم پهلوی بسر می بردیم بدون آنکه به پیامدهای ناگوار استقرار حکومت دینی بیندیشیم. توده زدگی، توهامات تئوریک، نا آگاهی ما نسبت به کارکرد تاریخی و ارتجاعی بسیاری از روحانیون، و برنامه مبهم، رویکرد تقیه گزینی و ترفندهای آیت الله خمینی دست به دست هم داد و بسیاری از ما روشنفکران را در گرداب همکاری با اسلام گرایان بنیادگرا فرو برد.

تجربه های این سه دوره به ما می آموزد که در تشکیل جبهه ای از نیروهای سکولار دمکرات که به جدایی دین از دولت بیانجامد لازم است اهداف جبهه و افراد و نیروهای شرکت کننده با شفافیت تمام بیان گردد و از رویکرد " درهای باز " و چشم پوشی های مصلحت آمیز سیاسی برای جلب هر چه بیشتر نیرو پرهیز شود.

به باور نگارنده جبهه پیشنهادی می تواند اهدافی همچون استقرار دموکراسی، جدایی دین از دولت، پایبندی به حقوق بشر، استقلال غیر ایدئولوژیک کشور و عدالت اجتماعی را در سرلوحه برنامه هایش قرار دهد.

- دموکراسی آرزوی دیرینه ی روشنفکران سکولار ایرانی است که از زمان انقلاب مشروطه در حد توان برای رسیدن به آزادی بیان، حق تشکیل احزاب و تشکل های صنفی، انتخابات آزاد و برسمیت شناخته شدن حقوق اقلیت های دینی و اندیشه ای تلاش کرده اند.

- حل مشکلات جامعه ایران پیش از هر چیز در گرو جدایی دین از دولت است که از یک سو دین ها از دخالت در امور قضایی، قانون گذاری و فرهنگی کشور بپرهیزند و از سوی دیگر دولت بدون دین ستیزی بی طرفی اش را در برابر دین ها حفظ می کند. در نظام سکولار دموکرات نوین به تبعیض علیه گرایش های گوناگون مذهبی، دگراندیشی و جنسیتی، فساد، امتیازات فرقه ای و غارت منابع از سوی برخی از رهبران دینی- سیاسی و امنیتی کشور پایان داده خواهد شد.

- پایبندی نیروهای جبهه به حقوق بشر از جمله امکان می دهد که حقوق فردی افراد محترم شمرده شود و زنان از قیود قوانین تبعیض آمیز شریعت رها گشته امکان مدیریتی جامعه در تمام سطوح را بدست آورند. انتخاب نوع پوشش در اختیار زنان آزاده و مردانی خواهد بود که از ولایت و نظارت فقها بی نیازند.

پایبندی به گفتمان استقلال غیر ایدئولوژیک تنها به نیروهای امکان شرکت در جبهه سکولار دموکراسی را می دهد که با تکیه بر جامعه مدنی و اقشار بریده از نظام اسلامی، در برکناری حکومت دینی و استقرار نظام نوین از یاری بیگانگان بی نیازند. البته در عصر جهانی شدن، استقلال بدون تعامل با جهان خارج بی معنی است.

شعار عدالت اجتماعی به کلیه اقشار و طبقات جامعه امید می دهد که در نظام تازه برخلاف امتیازات فقها در نظام دینی و هزار فامیل در استبداد پادشاهی از منابع طبیعی و امکانات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور بطور برابر بهره مند خواهند شد.

به امید برپایی ایرانی مستقل، آزاد، دموکرات و سکولار

۱۵ شهریور ۱۳۹۷